

جرات زنان برای مقابله با خشونت بیشتر شود!

گفتگوی فیروز رمضان زاده از دیدگاه نو با مهرداد درویش پور

در جامعه مرد سالاری نظیر ایران که زن ستیزی ایدئولوژی رسمی کشور است، عدم امکانات قانونی حمایت از زنان قربانی خشونت، مهم‌ترین عامل رویکرد به روش‌های پرهزینه دیگر توسط قربانیان خشونت است

در جامعه مرد سالاری نظیر ایران که زن ستیزی ایدئولوژی رسمی کشور است، عدم امکانات قانونی حمایت از زنان قربانی خشونت، مهم‌ترین عامل رویکرد به روش‌های پرهزینه دیگر توسط قربانیان خشونت است

آقای درویش‌پور، آیا انتشار عکس و علنی کردن خشونت خانگی از سوی یک چهره تلویزیونی در شبکه مجازی و حوزه عمومی برای شکستن تابوی سکوت و خویشتنداری در مقابل رفتارهای خشن خانگی اقدام درستی بود؟

پاسخ ساده ای به این پرسش نمی توان داد. از یک سو هر قدر زنان جامعه ایران بیشتر جرات کرده و موارد خشونت را بیشتر گزارش کنند مثبت تر است. باید مشوق زنان شد تا تجربه‌های خشونت را هر چه بیشتر بازگو کنند. اساساً یکی از موانع و دشواری‌های رویارویی با خشونت علیه زنان، اجتناب خود آنان در شکایت از خشونت‌های خانگی است. خشونت علیه زنان و آزار و اذیت‌ها و تجاوز جنسی شاید تنها جرمی است که قربانی در آن احساس شرمندگی و حتی گاه احساس تقصیر و گناه می کند. حال آن که اگر کسی به خانه شما دستبرد بزند، از شکایت کردن شرمنده نمی شوید. این نکته‌ای بسیار مهم و حسی بازدارنده در رویارویی با خشونت در روابط نزدیک است. در ایران حس گناه، شرم، تقصیر، آبروریزی و نگرانی از خدشه دار شدن اعتبار اجتماعی فرد در مورد زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند مانع از پیگیری امر خشونت است. بخشی از این احساسات زاییده فرهنگ پدرسالار جامعه ایران است که زنان را مسبب جرمی که بر آنها صورت گرفته می داند. هر قدر یک جامعه پدرسالاتر و سنتی‌تر باشند خطر اینکه توجه به حفظ آبرو مانع

از شکایت شود بیشتر است.

افشای موضوع خشونت خانگی از سوی یک مجری تلویزیونی در ایران نشان داد که در ایران نیز هم چون سایر کشورها خشونت خانگی متعلق به زنان طبقات فرودست نیست و از این پس می‌بایست خشونت‌های خانگی علیه زنان خشونت دیده طبقه متوسط و مرفه را باید جدی گرفت.

خشونت در همه طبقات و گروه‌های اجتماعی همچون ابزار سلطه مردان علیه زنان برای به کرسی نشاندن خواست‌های خود وجود دارد. در این زمینه یک دوگانگی به چشم می‌خورد. هرچه زنان قدرتمندتر باشند، جرات و امکان واکنش و شکایت بیشتری دارند. از سوی دیگر بسیاری از زنان توانا بیشتر از دیگر گروه‌های اجتماعی نگران "حفظ آبروی" خود هستند. این حس در مورد زنان شناخته شده شدیدتر است. نگرانی از انگشت‌نما شدن و ارائه تصویری منفی از آنها باعث می‌شود این افراد در صورت مورد خشونت قرار گرفتن بیشتر سکوت کنند. به خصوص در مورد زنان شناخته شده در ایران - آن هم در سطح مجری برنامه تلویزیون رسمی کشور یا زنانی که با حکومت سروکار داشته - بیشتر است. چه، این احتمال وجود دارد که شکایت‌شان با مجازات‌های پنهان و آشکار دیگری هم روبرو شود یا به نتیجه نرسد. از این رو شهادت و جرات مجری پیشین زن در تلویزیون جمهوری اسلامی در شکایت یا حتی انتشار تصویرکنک خورده خود در اینترنت قابل تحسین است. شخصا در تدریس خشونت علیه زنان در دانشگاه نمونه‌هایی از فیلم‌های مستند - از جمله درباره زنان افریقای جنوبی که تجربه تجاوز جنسی علیه خود را توضیح می‌دهند - به نمایش می‌گذاریم تا به دانشجویان پیام‌آموزیم با مشاهده خشونت علیه زنان سکوت نکنند. باید زنان را تشویق کرد تا شجاعانه به میدان آمده و با نهادینه بودن خشونت علیه زنان از طریق نهادینه کردن شکایت علیه خشونت رویارویی کنند. خشونت در بسیاری از جوامع نظیر ایران امری "طبیعی" تلقی شده و سکوت در مواجهه با آن به عادی‌سازی و نهادینه ساختن این خشونت‌ها یاری رسانده است. چیزی که می‌تواند قبح خشونت را بیشتر کند شکایت و واکنش در برابر خشونت از سوی بسیاری از زنان است. اما بسیاری نه تنها از سر ترس و رسوایی بلکه نگران از انتقام جویی مرد یا احتمال پشیمان شدن یا امید به تغییر رویه مرد، نمی‌خواهند پل‌ها را پشت سر خود خراب کنند؛ یا به خاطر فرزندان سکوت کرده و نگران فشار مرد به فرزندان‌شان هستند؛ یا از آن بدتر اطرافیان آنها را به سکوت دعوت می‌کنند؛ یا از همه بدتر شکایت‌شان به هیچ نتیجه‌ای نرسد که به معنای آن است که او بدون هیچ دستاوردی هزینه سنگین

روحي روانی می پردازد. همه این عوامل در واداشتن زنان به مسکوت گذاشتن خشونت علیه خود نقش ایفا می کنند. با توجه به همه این موانع، آزاده نامداری - چهره شناخته شده تلویزیونی - الگوی خوبی برای جرات پیدا کردن دیگرزنان در شکایت و علنی کردن خشونت درون خانواده است.

شیوه طرح مساله خشونت خانگی در کشوری نظیر ایران با وجود قوانین زن ستیز چگونه باید باشد؟ در شرایطی که قانونی با عنوان خشونت خانگی وجود ندارد و زنان قربانی خشونت خانگی، تنها می‌توانند در دادگاه شکایت خود را ثبت کنند.

این که قبل از صدور حکم دادگاه، خشونت خانگی علنی و در فضای عمومی منتشر شود از یک تناقض و دوگانگی برخوردار است. به هررو، بنا برحقوق و قوانین شهروندی افراد بی‌گناهند مگراینکه خلاف آن ثابت شود. حتی در شکایت از خشونت در روابط نزدیک، اگر درجه مظنون بودن متهم یا خطر آسیب رساندن بسیار بالا نباشد، فرد را بازداشت نمی‌کنند، بلکه او تنها به دادگاه احضار می شود تا به اتهامش رسیدگی شود. یعنی حتی افراد متهم نیز به زندگی عادی خود ادامه می دهند، شغلشان را دارند یا در بدترین حالت موقتا تا تکلیف اتهامشان روشن شود، اجازه دیدار زن را نمی یابند و اگر جرم در محل کار اتفاق افتاده باشد، اجازه حضور در محل کار را نمی یابند. بنا براین علنی کردن اتهام مورد خشونت قرار گرفتن در فضای مجازی و اینترنت، نوعی پرونده گشایی در افکار عمومی قبل از اثبات جرم است که می‌تواند حریم شخصی متهم را خدشه دار کند. این به آن معنا است که هر کسی می‌تواند در هر موردی ادعایی علیه هر کسی بکند و آن را در فضای عمومی منتشر سازد. انتشار چنین تصاویری در فضای عمومی اینترنت یا رسانه ها عملا نوعی حکم و داوری را پیش از رسیدگی و اثبات جرم، پخش می‌کند. از سوی دیگر عدم رسیدگی دادگاه ها و نومیدی از دادخواهی برای بسیاری از زنان راهی جز این باقی نمی گذارد. راستش هر زنی به سادگی چنین جراتی ندارد که اگر برآستی مورد خشونت قرار نگرفته باشد، چنین کند.

یعنی با توجه به اینکه تمهیدات اجتماعی برای کسانی که به دلیل خشونت خانوادگی مورد آسیب قرار گرفته‌اند وجود ندارد افراد قربانی خشونت ناچار به رویکرد به این روش ها می‌شوند؟

بله. هرچند نمی‌توان نادیده گرفت که این مساله نباید مجوزی شود که به راحتی به افراد در هر موردی برچسب و اتهام زده و آن را در

رسانه‌ها علنی کرد، پیش از آنکه دادگاه تکلیف قضیه را روشن سازد. کسانی که مخالف علنی کردن خشونت علیه زنان در فضای عمومی هستند بر این مساله تاکید می‌کنند. اما در مواردی همچون این پرونده خاص به رغم تناقض موجود، من از انتشار تصویر زن مورد خشونت قرار گرفته دفاع می‌کنم. چنین اتفاقاتی در کشوری نظیر سوئد به ندرت رخ می‌دهد. معمولاً این زنان در رسانه‌ها و فضای مجازی چنین تصاویری را منتشر نمی‌کنند، چون به راحتی می‌توانند از طریق دادگاه شکایت کنند. اما در کشوری نظیر ایران، با توجه به اینکه چنین افشاگرایی‌هایی هزینه بردار است و نگرانی از بی‌آبرویی بسیار زیاد است، باید جرات و انگیزه نیرومندی وجود داشته باشد تا زنی با چنین موقعیتی، تصویر چشم‌کبود شده خود را منتشر کند. زمانی که سیستم قضایی کشور بر تبعیض جنسیتی استوار است زنان فاقد حمایت‌های قانونی هستند، راه‌چندانی پیش‌رو باقی نمی‌ماند. علاوه بر آن مشاهده کردیم که خانم آزاده عکس منتشر شده خود را به دلیل تحت فشار قرارگرفتن از سوی اطرافیان یا همان مرد یا شاید به دلیل گرفتن امتیاز حق طلاق از اینترنت حذف می‌کند.

پس افشای موارد مربوط به خشونت خانگی در کشورهای نظیر ایران که فاقد قانون خشونت خانگی هستند و زنان از حمایت کافی و لازم برخوردار نیستند جای بحث و بررسی دارد.

در جامعه‌ای که به رغم تجربه خشونت، به سادگی حق طلاق به زن داده نمی‌شود، فرد به ناگزیر از اهرم‌های دیگری در دفاع از خود استفاده می‌کند. این که در ایران و برخی کشورهای دیگر، مردم برای طرح خواست‌های خود به دنیای مجازی و اینترنتی روی می‌آورند از آن رو است که فضای آزاد و حمایت قانونی وجود ندارد. در جامعه مردسالاری نظیر ایران که زن ستیزی ایدئولوژی رسمی کشور است، عدم امکانات قانونی حمایت از زنان قربانی خشونت، مهم‌ترین عامل رویکرد به روش‌های پرهزینه دیگر توسط قربانیان خشونت است. در جامعه‌ای که راه‌های قانونی بسته و هیچ راهی جز انتشار تصاویر خشونت برای دادخواهی وجود ندارد، نکوهش کردن این افراد ناخردانه‌ترین واکنش ممکن است. اساساً در جوامع استبدادی و خشن مردسالار که سعی در مسکوت گذاشتن این خشونت‌ها است، رساتر کردن صدای قربانیان خشونت مهم‌ترین راه مبارزه با چنین پدیده‌ای است. این امر از چند جهت تاثیر مثبتی دارد. مثلاً در همین مورد، آن خانم بلافاصله بعد از انتشار تصویر کتک‌خورده خود توانست طلاق بگیرد، موضوع خشونت خانگی در وسیع‌ترین ابعاد به بحث گذاشته شد و به دیگر قربانی خشونت جرات بیشتری برای

رویارویی بخشید.

با توجه به وجود تبعیض‌های حقوقی و مدنی آیا این افشاگری‌ها می‌تواند در جهت کاهش روند این نوع رفتارها موثر باشد؟

قدرت را تنها با قدرت می‌توان پاسخ داد. با توجه به نابرابری جنسیتی در حوزه قوانین مذهبی و رسمی کشور که بر امتیازات و برتری مردان استوار است، اعمال فشار با استفاده از روش‌های دیگر راهی است برای عبور و نفوذ از روزه‌های قانونی و موانع ساختاری دیگر. هر چه صدای زنان و جامعه در حمایت از زنان قربانی خشونت رساتر شود، امکان به عقب راندن عوامل خشونت بیشتر می‌شود. یکی از شیوه‌های برجسته کردن صداهای اعتراض، برانگیختن حساسیت جامعه در رویارویی با خشونت علیه زنان است. هر چه حساسیت جامعه و جرات زنان بیشتر شود، هر قدر شبکه‌های اجتماعی به جای سکوت از زنان حمایت کنند شانس مقابله با خشونت علیه زنان افزایش می‌یابد.